فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۸، شماره ۲۲، پاییز ۱۴۰۲

اثربخشی ارتباط بدون خشونت بر تعارضات والد-فرزند و صلاحیت والدینی، والدین دانش‌آموزان متوسطه اول شهر هشتگرد

رؤیا معتمدی[۱] لیلا بیداری[۲] الهام مروتی[۳]

چکیده

هدف‌ها: پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ارتباط بدون خشونت بر تعارضات والد_فرزند و صلاحیت والدینی، والدین دانش‌آموزان متوسطه شهر هشتگرد، انجام گردید.

مواد و روش‌ها: روش این پژوهش نیمه آزمایشی، با طرح پیش‌آزمون و پس آزمون با گروه گواه بود. که از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی تعداد ۳۰ نفر شامل والدین دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر هشتگرد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ انتخاب و به صورت کاملاً تصادفی در دو گروه مداخله (۱۵ نفر) و گروه کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. شرکت‌کنندگان گروه مداخله، برنامه آموزش مهارت ارتباط بدون خشونت را در ده جلسه‌ی ۶۰ دقیقه‌ای و هفته‌ای دو روز دریافت کردند و گروه کنترل هیچگونه مداخله‌ای دریافت نکردند.

ابزار استفاده شده جهت جمع‌آوری داده‌ها: پرسشنامه تعارض والد _فرزند، رابین و فاستر (۱۹۸۹) در فرم والدینی و پرسشنامه احساس صلاحیت والدینی گیلباد-والستن و واندرزمن ، (۱۹۷۸) و جهت مداخله مهارت ارتباط بدون خشونت، در ده جلسه دو ساعته هفته‌ای دو جلسه در مدرسه به والدین آموزش داده شد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها: در این مطالعه از دو روش آماری در سطح توصیفی و در سطح استنباطی از تحلیل کوواریانس با استفاده از نرم افزار SPSS.26 استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که میانگین نمره‌های تعارضات والد _فرزند در گروه آزمایش با گروه کنترل ازنظر آماری (P<۰/۰۰۱) تفاوت معناداری دارد و در گروه آزمایش تعارض کاهش داشته است. همچنین میانگین نمره‌های صلاحیت والدینی در گروه آزمایش با گروه کنترل ازنظر آماری (P<۰/۰۰۱) تفاوت معناداری دارد و در گروه آزمایش افزایش صلاحیت والدینی را نشان داد. و نتایج بدست آمده از آزمون تحلیل کوواریانس تفاوت میانگین زیرمقیاس‌های صلاحیت والدینی، والدین دانش‌آموزان در گروه‌های مطالعه نشان داد که میانگین‌های پس‌آزمون زیرمقیاس‌های کارآمدی و رضایت که در گروه آزمایش تحت آموزش ارتباط بدون خشونت قرار داشتند، در مقایسه با گروه کنترل که تحت آموزش ارتباط بدون خشونت قرار نداشتند، افزایش داشته است.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که آموزش ارتباط بدون خشونت بر تعارضات والد- فرزند و صلاحیت والدینی اثر معناداری دارد.

کلیدواژه‌ها: ا رتباط بدون خشونت، تعارضات والد-فرزند، صلاحیت والدینی

۱- فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد، دانشکده علوم پزشکی، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران
۲- فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول)
Lebidary93@gmail.com
۳- فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

مقدمه

خانواده اولین نهادی است که در آن معیارهای فکری، شخصیت و ارزش‌ها در آن بنا می‌شود (فخاریان و همکاران، ۱۳۹۹). ماهیت فضای عاطفی خانواده که مشتمل بر ارتباط والدین نسبت به هم، فرزندان نسبت بهم و والدین نسبت به فرزندان، در تکامل و شکل‌گیری شخصیت افراد و رشد همه جانبه کودکان در تمامی زمینه‌ها بسیار مؤثر و مفید می‌باشد (ثمری صفا و پوردل، ۱۴۰۱). به همین دلیل در کوچک‌ترین نهاد اجتماع یعنی خانواده صمیمت،مهر، محبت و گرمی، گذشت و فداکاری و همچنین، کینه ورزی، رشک و حسد و خشم و نفرت شکل می‌گیرد (عاشقی و همکاران،۱۳۹۸).

در یک بررسی اجمالی می‌توان دریافت که ابراز محبت از جانب والدین به فرزندان، سلامت رشد آن‌ها را تضمین می‌کند. فرووم اینسکروویین از روان‌شناسان مطرح، معتقد است که روابط کیفی اعضای خانواده باهم در رشد روانی کودک اهمیت فراوانی دارد. همچنین نحوه شکل‌گیری خصوصیات فردی و رفتار کودکان به ساختار خانواده بستگی دارد (عاشقی و همکاران، ۱۳۹۸).

روابط گرم و محبت‌آمیز میان والدین و نوجوانان، باعث ایجاد شرایط رشد و پیشرفت فرزندان شده و همچنین باعث می‌شود نوجوانان بحران بلوغ را با احترام و توجه خانواده طی می‌کند (لی[1]و همکاران، ۲۰۱۶). از جمله توانایی‌های مخصوص برقراری ارتباط، می‌توان به مهارت‌های ارتباطی صحیح اشاره کرد که در طرف مقابل احساس مثبت ایجاد می‌کند (رضائی و همکاران، ۱۳۹۸). ارتباط بدون خشونت[2] یکی از رویکردهای ارتباطی است که توسط روزنبرگ[3](۲۰۰۳)، توسعه داده شده است و در شرایطی که متغیر کلیدی آن برقراری ارتباط است استفاده می‌گردد (روزنبرگ، ۲۰۰۳). ارتباط بدون خشونت از برنامه آموزشی که شامل مجموعه‌ای از فنون و اصول ارتباطی که در هر جامعه و محیطی کاربرد دارد تشکیل شده است. روزنبرگ در قلب این برنامه فرایند همدلی را جا داده است. در این برنامه فرد را برای برقراری ارتباط صحیح و محبت آمیز با دیگران و خود فرد توانمند می‌سازد.

ارتباط بدون خشونت دارای چهار اصل کلیدی است که اینچنین مطرح می‌شود: اصل اول، تفکیک و جدایی مشاهده از قضاوت یا ارزیابی می‌باشد. دومین اصل این است که چه چیزی زندگی فرد را کامل می‌سازد. سومین اصل آن ابراز و شناسایی احساسات است که از مشاهدات بی‌طرفانه و بدون سوگیری ناشی است. و به آموزش مسئولیت‌پذیری در قبال عواطف، احساسات دیگران و خود می‌پردازد. و اصل چهارم این است که برای اغنا زندگی خویش، چه چیز را باید از دیگران طلب کرد و به چگونگی بیان تقاضا می‌پردازد. و این اصول دلایل متمایز کننده از دیگر رویکردهای فرزندپروری است. و این اصول را در دو فرایند ابراز صادقانه (گفتن) و دریافت همدلانه دیگر افراد (شنفتن) ارتباط بدون خشونت به کار برد (جونکادلا[4] ۲۰۱۳). و چون مبنای آن را مهارت‌های ارتباطی و کلامی تشکیل می‌دهد تا توانایی فرد را حتی در موقعیت‌های سخت جهت انسان بودن، تقویت کند (روزنبرگ، مارشال، ۲۰۰۳، ترجمه رحیمیان،۱۳۹۷)، به همین دلیل در اکثر جوامع در عصر جدید، به خانواده و چگونگی شکل‌گیری ابتدائی یا شکل‌دهی روابط بین اعضای آن توجه بسیاری شده است (کروم[5]و همکاران، ۲۰۱۷).

با وجود این در حوزه ارتباطات انسانی، امکان به وجود آمدن تعارض وجود دارد. و این تعارض در روابط والد_فرزند[6]و روابط زوجین، ناخواسته می‌تواند ارتباط سالم را به یک رابطه تنش‌زا و مخرب تبدیل کند و موجب تضعیف کارکردهای خانواده‌ی سالم شود (سوسیلاواتی[7] ۲۰۱۶). و امروزه در خانواده‌ها تعارض به یک مسئله مهم اجتماعی مبدل شده است (وردمان و گندو[8] ۲۰۱۴). تعارض به ناتوانایی در حل اختلافات اشاره دارد و اکثر اوقات با خصومت، تنش و یا پرخاشگری همراه می‌باشد (همایون، ۱۳۹۹). در افزایش و یا کاهش میزان شدت تعارض، نوع راهبردی که پدر و مادر در برابر تعارض با فرزند مورد استفاده قرار می‌دهند بسیار مؤثر

[1] Lee
[2] Nonviolent Communication (NVC)
[3] Rosenberg
[4] Juncadella
[5] Korom
[6] Parent-child conflicts
[7] Susilawati
[8] Vardaman, & Gondo

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

می‌باشد (پوریانی، ۱۴۰۰). هرچه تعارض بین والدین و فرزندان بیشتر باشد، در نوجوان مشکلات رفتاری بیشتری دیده می‌شود (جرارد و بوهلر[۱] ۲۰۰۲) و در عین حال سازگاری فرزندان و سلامت روان آن‌ها کاهش می‌یابد (همایون، ۱۳۹۹).

عوامل بی‌شماری را می‌توان نام برد که در تعارضات والدین و فرزندان دخیل هستند. از جمله می‌توان به تغییرات شناختی و زیست‌شناختی، اختلال در ادراک، جنسیت، پیچیدگی مسائل هویتی، تغییر در قدرت و ارتباط، پیشرفت و انتخاب‌های زندگی، تغییرات دلبستگی، بهره‌کشی والدین، ارزش‌ها و خودمحوری نوجوانان (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۸)، همچنین سبک‌های فرزندپروری (برکین، لاورس، ورهالست و ون در اند[۲] ۲۰۱۲ ، تعارضات زناشوئی (استاتزمن، بین، دی، مور و میلر[۳] ۲۰۱۱)، ویژگی‌های راهبردی و ارتباطی (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۸)، ویژگی‌های شخصیتی (برانج[۴] و همکاران،۲۰۰۹)، ویژگی‌های جمعیت شناختی و عوامل استرس‌زا (سامک[۵] و همکاران، ۲۰۱۶)، فناوری (شاه[۶] و همکاران، ۲۰۱۶)، سطح کیفیت زندگی خانوادگی و عملکرد خانوادگی، علم و آگاهی، تجربه‌های گذشته (پانفیل[۷] و همکاران، ۲۰۱۲)، بلوغ (شاه و همکاران، ۲۰۱۶) و سبک دلبستگی فرزندان (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۸)، اشاره کرد.

در این بین یکی از عوامل حیاتی در سلامت روان کودکان، صلاحیت والدین در فرزندپروری می‌باشد. صلاحیت یعنی قابلیت انجام صحیح یک وظیفه یا نقش (رو[۸] ۲۰۰۲). تاکنون هیچ وظیفه و نقشی مهم‌تر، پیچیده‌تر و دشوارتر از نقش فرزندپروری شناخته نشده است. نقش انسان‌ها در بزرگسالی را کیفیت فرزندپروری والدین آنها در کودکی تعیین می‌کند. درمیان اعضای خانواده اگر راه‌های مقابله‌ای بهینه‌ای استفاده شود، به رشد رابطه والد- فرزند کمک می‌کند اما اگر طرفین این رابطه دچار تعارض شوند و نحوه‌ی برخورد درست را ندانند، نه تنها در رفع تعارض کمکی نخواهد شد، بلکه به دوام رابطه هم آسیب خواهد رساند (پناهی و گودرزی، ۱۳۹۷).

البته وجود تعارض میان والدین و نوجوانان، در مراحل رشدی فرزندان تا حدودی طبیعی است (پرز[۹] و همکاران، ۲۰۱۶).

اما اگر این تعارضات، شدید باشد باعث کاستن از همبستگی والدین و فرزندان می‌گردد و نیاز به بررسی جدی دارد (حاج خدادادی و همکاران، ۱۴۰۰).

صلاحیت والدینی، مهمترین عاملی است که بر رفتار کودکان تأثیر مستقیم دارد. طبق تعریف، صلاحیت والدینی اشاره به قابلیتی دارد که والدین با استفاده از دانش، مهارت‌ها یا توانمندی‌ها، رفتارها و نگرش‌هایی در جهت مراقبت از کودکان به کار می‌بندند. صلاحیت والدینی شامل دو مؤلفه می‌باشد: کارآمدی و رضایت. کارآمدی یعنی: «میزان اعتماد و شایستگی که یک والد از خودش در ارتباط با مدیریت مسائل خود با فرزندش دارد» و رضایت یعنی «کیفیت احساسی که با فرزندپروری احساس می‌شود» (جانسون[۱۰] و همکاران، ۲۰۱۴). به عبارت دیگر، برای والدین چهار نقش در خانواده در نظر گرفته شده است که شامل: مسئولیت‌پذیری به منظور ایفای درست نقش والدانه، کمک به رشد و توسعه کودک، پذیرش کودک در خانواده و رفتار کردن براساس رفتارهای موردانتظار والدین می‌باشد (کاردوسو، سیلوا و مارین[۱۱] ۲۰۱۵). درواقع صلاحیت شامل توانایی‌ها، تعهدات و فراگیری مهارت‌هایی که موجب عملکرد مؤثرتر فرد در یک کار یا موقعیت می‌گردد. صلاحیت از نظر کاردوسو و همکاران (۲۰۱۵) یعنی بکارگیری چند منبع شناختی (دانش، اطلاعات، ارزش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها، هوش و الگوهای ادراک، ارزیابی و استدلال) در جهت حل مسئله‌ای که توسط دیگران شناخته شده باشد. همچنین شامل الزاماتی که یک فرد برای رسیدن به مقصدی خاص نیاز دارد و کیفیت کاری است که فرد از آن

---

[۱] Gerard & Buehler

[2] Beerkien, Louwerse, Verhulst, &van der Ende

[3] Stutzman, Bean ,Day, Moore & Miller

[4] Branje

[5] Samek

[6] Shah

[7] Panfile

[8] Roe

[9] Perez

[1] Johnson [0]

[1] Cardoso, A., e Silva, A. P., & Marin

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

طریق به حل مشکلات با انجام وظایف معینی می‌پردازد. پژوهش‌ها حاکی از آن است که فراگیری رفتار صحیح والدین با فرزندان، اثر زیادی بر تنظیم هیجان فرزندان دارد (رومرو[1] ۲۰۲۲).

در پژوهشی که نانس[2]و همکاران (۲۰۱۶) انجام دادند دریافتند که صلاحیت والدینی با خودکارآمدی و مهارت‌های فرزندپروری ارتباط مستقیمی دارد که باعث تسلط و نظارت بیشتر والدین روی اهداف و رفتارهای فرزند خود می‌شود.

خودکارآمدی والدینی بعنوان یک عامل محافظتی عمل می‌کند که مانع تأثیرگذاری عوامل آسیب‌زا مثل افسردگی و اضطراب مادر و خلق‌وخوی کودک می‌شود (تروتمن، موران، آرند، جانسون، و چمیلوسکی[3] ۲۰۱۲؛ ورهاج، اوسترمن و اسچوانگل[4] ۲۰۱۳). و نیز از تأثیرات زندگی در بستر محیطی ناسالم و شرایط نابسامان زندگی جلوگیری می‌کند (جونز و پیرز[5] ۲۰۰۵). نتایج پژوهش فخاریان، یعقوبی، ضرغام حاجبی و محققی (۱۳۹۹) بیانگر این است که اثر روابط اعضای خانواده و جو عاطفی خانواده بر سرزندگی تحصیلی، معنی‌دار است. همچنین نتایج یافته‌های پژوهش رضائی، به‌پژوه و غباری‌بناب (۱۳۹۸) نشان داد که آموزش ارتباط بدون خشونت سبب بهبود ارتباط مادر با فرزند کم‌توان ذهنی‌اش می‌شود. پژوهش جانگوسکا[6] و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد که روان‌رنجوری والدین با صلاحیت فرزندپروری ضعیف، فقدان رابطه گرم و صمیمانه والدین و عدم پاسخگویی به موقع و کافی به نیازهای کودک ارتباط دارد. همچنین نتایج یافته های پژوهش حاج محمدی (۱۳۹۵) با عنوان «اثربخشی آموزش ارتباط بدون خشونت بر کاهش تعارض والد – فرزند»، نشان داد که آموزش آموزش مهارت ارتباط بدون خشونت،باعث کاهش تعارض والد – فرزند، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی را در دختران شد و سبب افزایش استفاده از راهبرد استدلال را در آنان گردید.

باتوجه به اهمیت مفهوم صلاحیت فرزندپروری در پیامدهای رفتاری فرزندان که موجب کاهش تعارضات والد-فرزندی و درنتیجه به ارتقاء سلامت روان و به‌زیستی فرزندان می‌انجامد، بنابراین اِعمال پیشگیری از طریق مداخلاتی که به افزایش خودکارآمدی والدین از طریق آموزش مهارت‌های والدگری بخصوص مهارت ارتباط مؤثر و ارتباط بدون خشونت، لازم و ضروری می‌باشد که درنهایت به ما در رسیدن به جامعه‌ای سالم با فرزندانی شاد و شکوفا یاری می‌رساند. ارتباط بدون خشونت یکی از روش‌های مناسب برای رشد رابطه می‌باشد.

با توجه به پیشینه تحقیق و با توجه به اینکه آگاهی از مهارت برقراری ارتباط بدون خشونت باعث کنترل هیجانات و ابراز احساسات وبیان نیازها می شود انجام چنین پژوهشی ضرورت یافته است. به همین دلیل این پژوهش با هدف بررسی تأثیر ارتباط بدون خشونت بر تعارضات والد_فرزند و صلاحیت والدینی، والدین دانش‌آموزان متوسطه شهر هشتگرد مورد پژوهش قرار گرفت.

روش پژوهش

این پژوهش برحسب هدف کاربردی و از نظر جمع‌آوری اطلاعات از نوع تحقیقات نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس آزمون با گروه گواه است. جامعه آماری این پژوهش کلیه والدین دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر هشتگرد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود.

ابزار پژوهش

متغیر تعارض والد_ فرزند: برای اندازه گیری این متغیر از پرسشنامه تعارض والد_ فرزند، رابین و فاستر (۱۹۸۹) در فرم والدینی استفاده شد. . دو فرم ۲۰ سوالی برای والدین و نوجوانان دارد. فردی که در گروه آزمایش قرار گرفته است باید به صورت غلط و

---

[1] Romero

[2] Nunes

[3] Troutman, Moran, Arndt, Johnson, Chmielewski

[4] Verhage, Oosterman, Schuengel

[5] Jones, Prinz

[6] Jankowska

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

صحیح به گویه‌ها پاسخ دهد. با جمع نمرات می‌توان نمره کلی تعارضات فرزند_ والد را به دست آورد. .نمره بیست بالاترین تعارض را نشان می دهد. در پژوهشی در داخل کشور که توسط یونسی و همکاران(۱۳۹۱) انجام شد، پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمدهاست.

متغیر صلاحیت والدینی: برای اندازه‌گیری این متغیر از پرسشنامه احساس صلاحیت والدینی (گیلباد-والستن و واندرزمن،[1] (۱۹۷۸)، نقل شده در جانسون و ماش، (۱۹۸۹) استفاده می‌شود. پرسشنامه ۱۶ سؤالی است که احساس والدین را از والد بودن خویش می‌سنجد و همچنین میزان باور آنها به توانایی خود برای والد بودن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این پرسشنامه شامل دو شاخص فرعی رضایت (۹ ماده) و کارآمدی (۷ ماده) می‌باشد. آزمودنی باید به سؤالات از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم پاسخ دهد. هشت گویه (۱، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵) نمره‌گذاری معکوس دارند که نمره بالا نشان‌دهنده تجربه والدینی مثبت می‌باشد. نتایج پژوهش جانسون و ماش[2](۱۹۸۹) همسانی درونی این ابزار به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ را نشان داده است. شیوه نمره‌گذاری هم به روش لیکرت انجام خواهد شد و به منظور سنجش پایایی و همسانی درونی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده می‌شود.

روش اجرای پژوهش

برای انجام این پژوهش از بین مدارس دوره اول متوسطه شهر هشتگرد بصورت خوشه‌ای تصادفی یک مدرسه انتخاب و از بین والدین آن دانش‌آموزان، تعداد ۳۰ نفر بصورت تصادفی انتخاب و به صورت کاملا تصادفی در دو گروه مداخله(۱۵ نفر) و شاهد (۱۵ نفر) قرار گرفت. گروه مداخله ده جلسهٔ دو ساعته و هفته ای دو روز آموزش مهارت ارتباط بدون خشونت را دریافت کرد و گروه شاهد هیچ آموزشی دریافت نکرد. در هر جلسه‌ی برنامه‌ی آموزش ارتباط بدون خشونت، ابتدا به توضیح هر مرحله، تمرین، الگوبرداری و تمرینات خانه پرداخته شد. روند اجرای این پروتکل توسط مارشال روزنبرگ ارائه شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه ها در این مطالعه از دو روش آماری به صورت زیر استفاده شد: در سطح توصیفی از میانگین و انحراف معیار، فراوانی و درصد، کمینه و بیشینه و نیز در سطح استنباطی از تحلیل کوواریانس با استفاده از نرم افزار SPSS.26 استفاده شد.

معیارهای ورود به این پژوهش بودن در دامنه سنی ۶۵- ۳۵ سال، داشتن حداقل مدرک تحصیلی سیکل، تمایل به شرکت در جلسه‌های آموزشی، دریافت نکردن خدمات مشاوره فردی در زمان شرکت در جلسات آموزشی. متعهد به انجام دادن تکالیف خانگی، حضور به موقع، کامل کردن فرم رضایت‌نامه. ملاک‌های خروج از پژوهش عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و غیبت بیش از دو جلسه.

یافته‌های پژوهش

به منظور توصیف داده‌های جمعیت شناختی پژوهش از آمار توصیفی (فراوانی و درصد)، استفاده شد. در این پژوهش تعداد ۳۰ نفر از دانش‌آموزان دوره اول متوسطه در دو گروه آزمایش و کنترل مورد مطالعه قرار گرفتند.

مشارکت کنندگان در این پژوهش در گروه سنی ۳۵ تا ۴۵ سال در گروه آزمایش ۳۳/۳ درصد و در گروه کنترل ۳۳/۳ درصد، در گروه سنی ۴۶ تا ۵۵ سال در گروه آزمایش ۴۰ درصد و در گروه کنترل ۳۳/۳ درصد و در گروه سنی ۵۶ تا ۶۵ سال در گروه آزمایش ۲۶/۷ درصد و در گروه کنترل ۳۳/۳ درصد می‌باشند. تحصیلات مشارکت‌کنندگان در گروه آزمایش در مقطع دیپلم ۴۰ درصد در گروه آزمایش و ۳۳/۳ درصد در گروه کنترل، در مقطع فوق دیپلم در هر دو گروه کنترل و آزمایش ۳۳/۳ درصد و در مقطع لیسانس در گروه آزمایش ۲۶/۷ و در گروه کنترل ۳۳/۳ درصد می‌باشند.

[1] Gibbad, Waltson & Anderson

[2] - Johnston, Mash

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

جدول ۱: آزمون تساوی واریانس‌های گروه‌های مطالعه در متغیرهای پژوهش

متغیرها و زیر مقیاس‌ها	ارزش F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری P
تعارضات والد فرزند	۲/۶۴۲	۱	۲۸	۰/۱۱۸
صلاحیت والدینی	۰/۲۱۵	۱	۲۸	۰/۶۴۸
صلاحیت والدینی (کارآمدی)	۰/۰۵۸	۱	۲۸	۰/۸۱۱
صلاحیت والدینی (رضایت)	۱/۶۱۹	۱	۲۸	۰/۱۵۶

جدول (۱)، نشان دهنده آزمون لوین (Levene's Test) جهت تساوی واریانس‌های نمرات در زیر مقیاس‌های تعارضات والد فرزند و صلاحیت والدینی در گروه‌های مطالعه است. یکی از مفروضه‌های آزمون تحلیل کوواریانس، بررسی همسانی واریانس‌های در گروه‌های مطالعه می‌باشد بنابراین از آزمون لوین استفاده گردید. با توجه به عدم معناداری و تأیید فرض صفر($P>۰/۰۵$) ، پیش فرض تساوی واریانس‌ها در گروه‌ها تأیید شد.

جدول ۲: نتایج تحلیل کوواریانس میانگین نمره های تعارضات والد فرزند در گروه‌های مطالعه

عوامل مؤثر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ارزش **F**	معناداری **P**	اندازه اثر **Eta.**
مقدار ثابت	۱۹/۴۳۷	۱	۱۹/۴۳۷	۱۰/۴۰۳	۰/۰۰۳**	/۲۷۰
پیش آزمون	۱۳/۸۱۹	۱	۱۳/۸۱۹	۷/۳۹۶	۰/۰۱۱*	/۲۱۰
عضویت گروهی	۹۹/۷۷۳	۱	۹۹/۷۷۳	۵۳/۴۰۰	۰/۰۰۱**	/۶۶۰
خطا	۵۰/۴۴۸	۲۷	۱/۸۶۸			
Total	۲۸۸۸/۰۰۰	۳۰				

(**) معنا داری درسطح ۰/۰۱ و **(*)** معنا داری درسطح ۰/۰۵

در جدول (۲)، نتایج آزمون تحلیل کوواریانس را نشان می‌دهد که میانگین نمره‌های تعارضات والد فرزند در گروه آزمایش با گروه کنترل ازنظر آماری در سطح کمتر از یک هزارم (**P**=۰/۰۰۱) تفاوت معناداری دارد. با توجه به اندازه اثر، عامل گروه توانسته ۶۶ درصد واریانس نمره های تعارضات والد فرزند، والدین دانش‌آموزان را تبیین کند. بنابراین فرضیه یک مبنی بر اینکه ارتباط بدون خشونت بر تعارضات والد_فرزند، والدین دانش‌آموزان دوره اول متوسطه اثر دارد، تأیید شد.

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس میانگین نمره‌های صلاحیت والدینی در گروه‌های مطالعه

عوامل مؤثر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ارزش **F**	معناداری **P**	اندازه اثر **Eta.**
مقدار ثابت	۱۱۷/۵۰۲	۱	۱۱۷/۵۰۲	۱/۵۴۹	۰/۲۲۴	۰/۰۵
پیش آزمون	۱۷۱۶/۷۱۵	۱	۱۷۱۶/۷۱۵	۲۲/۶۲۹	۰/۰۰۱**	۰/۴۶
عضویت گروهی	۲۴۸۱/۸۴۷	۱	۲۴۸۱/۸۴۷	۳۲/۷۱۴	۰/۰۰۱**	۰/۵۵
خطا	۲۰۴۸/۳۵۲	۲۷	۷۵/۸۶۵			
Total	۱۰۰۴۸۷/۰۰۰	۳۰				

(**) معنا داری درسطح ۰/۰۱ و **(*)** معنا داری درسطح ۰/۰۵

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

در جدول (۳)، نتایج آزمون تحلیل کوواریانس را نشان می دهد که میانگین نمره های صلاحیت والدینی در گروه آزمایش با گروه کنترل ازنظر آماری در سطح کمتر از یکصدم (P=۰/۰۰۱) تفاوت معناداری دارد. با توجه به اندازه اثر عامل گروه توانسته ۵۵ درصد واریانس نمره‌های صلاحیت والدینی، والدین دانش‌آموزان را تبیین کند. بنابراین فرضیه دو مبنی بر اینکه ارتباط بدون خشونت بر صلاحیت والدینی، والدین دانش‌آموزان دوره اول متوسطه اثر دارد ، تأیید شد.

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس تفاوت میانگین نمره‌های زیرمقیاس‌های صلاحیت والدینی، والدین در گروه‌های مطالعه

عوامل مؤثر	متغیرهای وابسته	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ارزش F	سطح معناداری	اندازه اثر Eta.
پیش آزمون	کارآمدی	۱	۱۱۹/۶۷۹	۵/۸۶۰	۰/۰۲۲*	۰/۱۸
	رضایت	۱	۹۲۹/۸۵۱	۲۸/۵۶۸	۰/۰۰۱**	۰/۵۱
عضویت گروهی	کارآمدی	۱	۳۷۱/۵۱۰	۱۸/۱۹۲	۰/۰۰۱**	۰/۴۰
	رضایت	۱	۹۳۲/۹۰۸	۲۸/۶۶۲	۰/۰۰۱**	۰/۵۲

(**) معنا داری درسطح ۰/۰۱ و **(*)** معنا داری درسطح ۰/۰۵

جدول (۴)، نتایج عضویت گروهی را نشان می‌دهد که میانگین زیرمقیاس‌های صلاحیت والدینی، والدین در گروه آزمایش با گروه کنترل ازنظر آماری در سطح یک صدم (**P**=۰/۰۰۱) تفاوت معناداری دارد. همچنین با توجه به اندازه اثر عامل گروه توانسته ۴۰ درصد از واریانس کارآمدی و ۵۲ درصد از واریانس رضایت را تبیین کند. بنابراین فرضیه شماره سه مبنی بر اینکه ارتباط بدون خشونت بر زیرمقیاس‌های صلاحیت والدینی، والدین دانش‌آموزان دوره اول متوسطه اثر دارد، تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر ارتباط بدون خشونت بر تعارضات والد_فرزند و صلاحیت والدینی، والدین دانش‌آموزان متوسطه شهر هشتگرد بود. یافته های پژوهش در فرضیه اول مؤید تأثیر ارتباط بدون خشونت بر تعارضات والد_فرزند، والدین دانش‌آموزان بود. که این نتایج با یافته‌های یانگ و کیم (۲۰۱۶)، تمینس و همکاران (۲۰۱۶)، پوریانی (۱۴۰۰)، فخاریان و همکاران (۱۳۹۹)، رضائی و همکاران (۱۳۹۸) و حاج محمدی (۱۳۹۵) همسو بود. این پژوهش نشان داد عواملی مانند افکار، احساسات، و شیوه‌های ارتباطی میان والدین و فرزندان می‌توانند در تعارضات والد- فرزند، والدین دانش‌آموزان نقش داشته باشند• رابطه دوطرفه و صمیمی بین والدین و فرزندان، بدون حضور خشونت، می‌تواند به بهبود تعاملات خانوادگی و کاهش تنش‌ها در محیط خانواده منجر شود.

حاصل نتایج تجزیه و تحلیل آماری فرضیه دوم نشان داد که میانگین‌های پس‌آزمون صلاحیت والدینی، والدین دانش‌آموزانی که در گروه آزمایش تحت آموزش ارتباط بدون خشونت قرار داشتند، در مقایسه با گروه کنترل که تحت آموزش ارتباط بدون خشونت قرار نداشتند، افزایش داشته است. این پژوهش با پژوهش‌های کاردوسو و همکاران (۲۰۱۵)، ارسگوواک و همکاران (۲۰۱۳) همسو است. مبنای ارتباط بدون خشونت را مهارت‌های ارتباطی و کلامی تشکیل می‌دهد تا توانایی فرد را حتی در موقعیت‌های سخت جهت انسان بودن، تقویت کند. و از آنجایی که صلاحیت والدینی شامل مهارت‌ها و توانایی‌های والدین در مدیریت و پشتیبانی از رشد و توسعه دانش‌آموزان است، بنابراین این فرضیه نشان می‌دهد که بهبود صلاحیت والدینی به عنوان نتیجه‌ای از ارتباط بدون خشونت می‌تواند به نحوی مثبت بر تجربه دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه تأثیر بگذارد.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های آماری در فرضیه سوم نشان داد که ارتباط بدون خشونت بر زیرمقیاس‌های صلاحیت والدینی ، والدین دانش‌آموزان دوره اول متوسطه اثر دارد. و نتایج عضویت گروهی نشان می‌دهد که میانگین زیرمقیاس‌های صلاحیت والدینی، والدین

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

در گروه آزمایش با گروه کنترل ازنظر آماری در سطح یک صدم تفاوت معناداری دارد. این فرضیه با پژوهش حسینعلی (۱۳۹۸) و حسینی (۲۰۱۴) و ارسگوواک و همکاران (۲۰۱۳) همسو بوده است. احساس صلاحیت والدینی دارای دو بعد رضایت از ایفای نقش والدینی و احساس کارآمدی بعنوان والدین است. ارتباط دوجانبه‌ای بین خودکارآمدی و رضایت از نقش والدی وجود دارد. لجوبتیکا (۲۰۰۷) ادعا می‌کند که پدر و مادر شایسته و صاحب صلاحیت، نظارت و کنترل دائمی روی فرزند و روابط خودش با او دارد و از نقش خود بعنوان والد احساس رضایتمندی دارد. با توجه به این مطالب و یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که فرضیه سوم این پژوهش تأئید می‌گردد.

این پژوهش مانند هر پژوهش دیگری دارای محدودیت‌هایی بود از جمله بعضی از والدین به دلیل داشتن فرزند کوچک و گرفتاری نتوانستند یک جلسه در جلسات آموزشی حضور داشته باشند و به دلیل محدودیت زمانی، مرحله پیگیری نداشت. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی آموزش ارتباط بدون خشونت در مقاطع مختلف هم بر روی والدین و هم دانش‌آموزان انجام شود. همچنین علاوه بر این که در شهرهای دیگرهم انجام شود این پژوهش را با پس‌آزمون‌های مکرر در اوقات مختلف، تعداد جلسات بیشتر و به صورت طولی همچنین انجام دهند.

منابع

پوریانی، سودابه. (۱۴۰۰). اثربخ شی آموزش ارتباط بدون خ شونت بر خودکنترلی، تعامل والد کودک و پرخا شگری دانش‌آموزان. مؤسسه آموزش عالی ادیب مازندران، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، مرداد ۱۴۰۰.

پناهی، ح سین و گودرزی، محمود. (۱۳۹۷). اثربخ شی آموزش مؤلفه‌های نظریه انتخاب بر کاهش تعارض والد-فرزندی دانش‌آموزان دختر. مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت، سال پنجم، شماره ۲، ص ۵۲-۴۳.

ثمری صفا، جعفر و پوردل، مژگان. (۱۴۰۱). ارائه مدل فر سودگی تح صیلی بر ا ساس جو عاطفی خانواده، سرمایه روان شناختی، هدف‌گرایی، اهما ل‌کاری و درگیری تح صیلی دان شجویان کار شنا سی ار شد. ف صلنامه فرهنگ م شاوره و روان‌درمانی سال سیزدهم، شمارۀ ۴۹، بهار ۱۴۰۱، ص۱۳۱ تا ۱۶۲.

حاج خدادادی، داوود؛ اعتمادی، عذرا؛ عابدی، محمدر ضا؛ جزایری، ر ضوان السادات. (۱۴۰۰). مقایسه تأثیر آموزش والدگری مبتنی بر مواجهه با چالش‌های فرزندپروری و برنامه فرزندپروری مثبت بر ابعاد والدگری مؤثر و سازگاری زوجی در مادران دارای فرزند نوجوان. فصلنامه خانواده پژوهی، سال هفدهم، شماره ۶۶، صص ۲۶۶-۲۴۳.

رزنبرگ، مارشـــال بی. (۱۳۹۷). ارتباط بدون خشـــونت: زبان زندگی. ترجمه کامران رحیمیان۱۳۹۷، چاپ دهم، تهران، انتشـــارات اختران کتاب، دات، کتاب آمه.

روزنبرگ، مارشال. (۱۳۸۸) آموزش محبت‌آمیز کودکان، ترجمه کامران رحیمیان، تهران ، نشرکتاب آمه، چاپ اول.

رضـــائی، زهرا؛ به‌پژوه، احمد و غبلری بناب، باقر(۱۳۹۸). اثربخشـــی آموزش برنامه ارتباط بدون خشـــونت بر تعامل مادرکودک در مادران با کودک کم توان ذهنی. مقاله پژوه شی، گروه روان شنا سی و آموزش کودکان ا ستثنایی، دان شکده روان شنا سی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. بهار ۱۳۹۸. دوره ۲۰. ش ۱.

عاشـقی، آرزو؛ خوش روش،وحید و یعقوبی، فاطمه(۱۳۹۸). رابطه جو عاطفی خانواده، حمایت اجتماعی ادراک شـده با گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان شهر رشت. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی سال دوم، شماره ۲۱، بهمن ۱۳۹۸، ۵۵۸۸_۶۷۶۷.

فخاریان، جمیله؛ یعقوبی، ابوالقاسم؛ ضرغام حاجبی، مجید و محققی، حسین (۱۳۹۹) .پیش بینی سرزندگی تحصیلی بر اساس جو عاطفی خانواده، درگیری تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی، مجله دانشکده پزشکی،۶۳(۲)، ۲۴۰۱۲۳۹۱.

ک شاورز، غلامر ضا؛ نوابی‌نژاد، شکوه و زهراکار، کیانوش(۱۳۹۸). مدل مفهومی عوامل زمینه ساز تعار ضات والد – نوجوان از دیدگاه والدین. [DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.7.1]

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

همایون، فاطمه(۱۳۹۹). سهم سبک حل تعارض والدین در تعارض والد فرزند. سومین همایش ملی رواﻧ شنا سی تعلیم و تربین و سبک زندگی، دانشگاه پیام نور قزوین، ۱۳۹۹.

Beerkien, M., Louwerse, A., Verhulst, F., & van der Ende, J. (2012). Children's perceptions of dissimilarity in parenting styles are associated with internalizing and externalizing behavior. European Child & Adolescent Psychiatry, 21(2), 79-85.

Biglan, A., & Metzler, C. W. (1998). A public health perspective for research on family-focused interventions. Drug abuse prevention through family interventions. NIDA Research Monograph, 177, 430-458.

Branje, S. J. T., van Doorn, M., van der Valk, I., & Meeus, W. (2009). Parent– adolescent conflicts, conflict resolution types, and adolescent adjustment. Journal of Applied Developmental Psychology, 30(2), 195-204.

Cardoso, A., e Silva, A. P., & Marín, H. (2015). Parenting competencies: development of an assessment instrument/Competências parentais: construção de um instrumento de avaliação/Competencias parentales: construcción de un instrumento de evaluación. Revista de Enfermagem Referência, 4(4), 11.

Cox E, Dannahy P.(2005). The value of openness in e-relationships: using Nonviolent Communication to guide online coaching and mentoring. International Journal of Evidence Based Coaching and Mentoring. ۳(۱):۵۱-۳۹.

Johnston, C. & Mash, E. J. (1989) A measure of parenting satisfaction and efficacy. Journal of Clinical Child Psychology, 18, 167-175.

Jones, T. L., & Prinz, R. J. (2005). Potential roles of parental self-efficacy in parent and child adjustment: A review. Clinical psychology review, 25(3), 341-363.

Juncadella CM(2013). What is the impact of the application of the nonviolentcommunication model on the development of empathy? [MSc. thesis]. Sheffield: University of Sheffield.

Korom, P., Lutter, M., & Beckert, J. (2017). The enduring importance of family wealth: Evidence from the Forbes 400, 1982 to 2013. Social Science Research.

Lee, Y.S., Han, D.H., Yang, K. C., Danials, M.A., Na, C., Kee, B.S. & Renshaw, P.F. (2016). Depression like characteristics of 5HTTLPR polymorphism and temperament in excessive internet users. Journal of affective disorderst 109, 165-169.

Nunes, C., Jimenes, L., Menendez, S., Ayala-Nunes, L., & Hidalgo, V. (2016). Psychometric properties of an adapted version of the parental sense of competence (PSOC) scale for P ortuguese at-risk parents. Child & Family Social Work, 21(4), 433-441.

Panfile, T. M., Laible, D. J., & Eye, J. L. (2012). Conflict frequency within mother-child dyadacross contexts: Links with attachment security and gender. Early Childhood Research Quarterly, 27(1), 147-155.

Patterson, G. R., Reid, J. B., & Dishion, T. J. (1992). Antisocial boys (Vol. 4). Castalia Pub Co.

Perez, J. K., Cumsille, P., & Martinez, M. L. (2016). Agreement between parent and adolescent autonomy expectations and its relationship to adolescent Adjustment. Journal of Adolescence, 53, 10-15.

Roe, R. A. (2002). What makes a competent psychologist?. European psychologist, 7(3), 192. Romero, P. (2022). Educating and Empowering Children of Parents with Mental Illness to b Successful in School and Life (Doctoral dissertation, California State University, Northridge).

Rosenberg MB (2003). Nonviolent communication: The language of compassion. 2th Edition. Encinitas, California: PuddleDancer Press.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

Samek, D. R., Wilson, S., McGue, M., & Iacono, W. G. (2016). Genetic and environmental influences on parent-child conflict and child depression through late adolescence. Journal of Clinical Child and Adolescence Psychology, 1-16. Doi:15374416, 2016, 1141357/10, 1080.

Shah, R., Chauhan, N., Gupta, A. K. & Sen, M. S. (2016). Adolescent-parent conflict in the age of social media: Case reports from India. Asian Journal of Psychiatry, 23,24-26.

Stutzman, V. S., Bean, R., Miller, R., Day, R., Feinauer, L., Porter, C., & Moore, A .(2011). Marital conflict and adolescent outcomes: A cross-ethnic group comparison of Latino and European-American youth. Children and Youth Services Review, 33,663-668.

Susilawati, L. K. P. A. (2016). Conflict between Early Adolescent Children and Their Parents in Balinese Families. International Journal of Psychology, 51, 316.

Troutman, B., Moran, T. E., Arndt, S., Johnson, R. F., & Chmielewski, M. (2012). Development of parenting self- efficacy in mothers of infants with high negative emotionality.Infant Mental Health Journal, 33(1), 45-54.

Vardaman, J. M., & Gondo, M. B. (2014). Socioemotional wealth conflict in family firms. Entrepreneurship Theory and Practice, 38(6), 1317-1322.

Verhage, M. L., Oosterman, M., & Schuengel, C. (2013). Parenting self-efficacy predicts perceptions of infant negative temperament characteristics, not vice versa.Journal of Family Psychology,27(5), 844.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

The Effectiveness of Non-Violent Communication on Parent-Child Conflicts and Parental Competence, Parents of First Secondary Students in Hashtgerd City

Roya Moatamedi[1], Leila Bidari[2], Elham Morovati[3]

Abstract

The purpose of this research was to investigate the effectiveness of non-violent communication on parent-child conflicts and parental competence of parents of secondary school students. The method of this research was semi-experimental with a pre-test, post-test design with a control group. The statistical population of this research includes the parents of the first year high school students of Hashtgerd city in the academic year 1402-1401, who were selected by the random cluster sampling method and completely randomly divided into two intervention groups (15 people) and The control (15 people) was placed. The participants of the intervention group received the non-violent communication skill training program in ten sessions of 60 minutes and two days a week, and the control group did not receive any intervention. The data obtained from this research were analyzed at two descriptive and inferential levels using SPSS.25 software. The findings of this study confirm the acceptability of the theoretical topics presented in this field. The results of the research showed that non-violent communication training has a significant effect on parent-child conflicts and parenting competence of parents of first year high school students ($P<0.05$). And having fruitful communication skills and following it, acquiring these skills is necessary to have a successful performance in life.

Keywords: Non-Violent Communication, Parent-Child Conflicts, Parental Competence.

1 Graduated from Master's degree, Faculty of Medical Sciences, Department of Educational Psychology, Islamic Azad University of Medical Sciences, Tehran

2 Master's degree graduate, Faculty of Humanities, Department of Educational Psychology, Payame Noor University, South Tehran branch (Author) LeBidary93@gmail.com

3 Master's degree graduate, Faculty of Humanities, Department of Educational Psychology, Payame Noor University, South Tehran branch

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]